**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد عجل فرجهم*

خارج فقه ج 65 - غایات الوضوء -21/10/1400

*موضوع**: طهارت، وضوء، غایات وضوء*

مساله دوم : درباره اقسام وجوب وضو به سبب نذر می باشد ، مرحوم سید در عروه پنج قسم نقل کرده است قسم اول : نذر می کنم عملی را انجام دهم که مشروط به وضو باشد مثل نماز چون وضو شرط صحت نماز است در اینحا نذر به وضو تعلق نگرفته است بلکه نذر به نماز تعلق گرفته است لذا وجوب وضو برای نماز وجوب مقدمی شد پس نذر نماز را واجب کرد حال که نماز واحب شد وضو هم واجب شد ، نذر مطلق یعنی هر عملی که صحت آن هم مشروط به وضو باشد

قسم دوم : نذر به وضو می کند به شرط اینکه عملی را انجام دهد که مشروط به وضو نیست مثل قرائت قرآن ، این نذر را نذر مقید می‌گویند. چون شرط و قید به نفس نذر بر می گردد و به آن عمل منذور بر نمی گردد یعنی قرائت قرآن که مقید به وضو نیست ، منذور قرائت قرآن است ، آنچه که مشروط است خود نذر مشروط است در اینحا به نظر ما این نذر صحیح نیست و معقد نمی‌شود چون این نذر به نذر ترک راجح است چون خواندن قرآن رجحان دارد وقتی نذر می کنی که حتما با وضو بخوانی پس در آن زمانهایی که وضو نداری نمی توانی قرآن بخوانی و در یک عمل راجح را می بندی با چنین نذری ، بله اگر نذر کند که عند القرائت با وضو باشد اشکالی ندارد

فرق این نذر با نذر قبلی این است که در قبلی طوری نذر کرده که بدون وضو قرائتی نداشته باشد لذا آن نذر منعقد نمی شود چون خواندن قرآن بدون وضو اشکالی ندارد اما در این صورت به معنای این است که هنگامی که می خواهم قرآن بخوانم در آن زمان خواندن با وضو باشم لذا اگر نذر کند که هر قرائتی که صادر می شود با وضو باشم مانعی ندارد چون معنایش این نیست که من می خواهم قرائت بدون وضو را رد کنم

نکته : در صحت نذر ارجحیت شرط نیست بلکه رجحان شرط است لذا نذر صحیح آن نذری است که موجب ترک راجح نشود اما اگر موجب ترک راجح نشود ولی موجب ترک ارجح شود اشکال دارد مثل زیارت شهید مومن ثواب دارد از آن طرف زیارت امام حسین علیه السلام در مقابل شهدای دیگر ارجح است و اگر نذر کند که هر جمعه به زیارت شهدا بروم اما موجب ترک زیارت امام حسین علیه السلام شود اشکال دارد

قسم سوم : نذر کند که قرائت کتب و قرآن را با وضو باشد معنایش این است که قرآن و کتب فقهی را با وضو بخواند در این صورت هر دو متعلق نذر شده‌اند و واجب است

قسم چهارم : نذر می کند که همیشه با طهارت باشد در اینجا کون علی الطهارة علت غایی برای وجوب وضو می شود ولی غایت دیگر مث قرائت نماز واجب ادائی و قضایی ارتباطی به این نذر ندارد

قسم پنجم : نذر به نفس وضو تعلق بگیرد نه به کون علی الطهارة که دو صورت دارد :

صورت اول :متعلق نذر طبیعی وضو به نحو لا بشرط باشد یعنی چه قصد کند کون علی الطهارة را و چه قصد نکند این نذر صحیح است چون در شرع مقدس وضو نور است و مفروض همین وضویی است که نور است ولی در انطباق فرق دارد که تارة وضوی مستحبی بگیرد و اخری وضوی واحبی بگیرد ، و مفهوم لا بشرط اشکالی ندارد

صورت دوم : وضوی بشرط لا ، یعنی بشرط اینکه آن پنج غایت نباشد وضو اینجا استحباب نفسی می‌شود که نفسا مستحب است حال که نذر کردم واجب می شود. در حالی که قبلا گفتیم استحباب نفسی در وضو معقول نیست چون دلیلی نداریم ، واجب نفسی نماز را داریم ولی استحباب نفسی وضو را نداریم ، کسی که محدث به حدث اصغر است آنچه که عامل وضو می شود همین حدث اصغر است و استحباب دیگر نیست

مرحوم امام می فرمایند که اگر مجرد از جمیع غایات نذر کند می توانیم بگوییم که وضو استحباب نفسی داشت با نذر واجب می شود ولی اگر به اعتبار یکی از این غایات باشد نذرش صحیح است درصورتی که همان وضو را بگیرد که برای آن غایت است.

اشکال استاد : مقام بحث ما نذر مقید است نه مطلق ، یعنی نذری که می کند باید غایت را در نظر بگیرد و اگر بدون نظر کردن به غایات باشد چنین نذری محقق نمی‌شود چون وضو مستحب نفسی نیست.